

بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیل انتقادی دیدگاه شنقیطی در مسأله نسخ و تحریف‌ناپذیری قرآن^۱

چکیده:

تحریف‌ناپذیری قرآن از باورهای مورد اتفاق مفسران فرقه‌های مختلف اسلامی و از مبانی مشترک صدور در تفسیر قرآن است، لکن ارائه تحلیل‌ها و نظرات برخی از مفسران در پدیده نسخ، زمینه‌ساز ایراد شبهات برخی از مستشرقان بر تحریف‌ناپذیری قرآن شده است. باور به نسخ تلاوت یا تلاوت و حکم با هم، ارتباط مستقیم با تحریف لفظی داشته و موجب خدشه در حجیت و اعتبار قرآن است. شنقیطی (م ۱۳۹۳) در تفسیر «اضواءالبیان» علی‌رغم اعتقاد به مصونیت قرآن از تحریف، با استناد به احادیث ضعیف و اخبار آحاد، قائل به وجود نسخ تلاوت و نیز نسخ تلاوت و حکم شده است. نوشتار حاضر با هدف تحلیل دیدگاه شنقیطی بدین نتیجه رسید که باور به نسخ تلاوت، باور به ازاله و نقصان بخشی از قرآن بوده و از مصادیق بارز تحریف به نقیصه است و با محذورات عقلی، نقلی و تاریخی، از جمله تعارض با مبانی مورد پذیرش او در مصونیت قرآن و آیات دال بر تحریف‌ناپذیری، و ناسازگار با سیره مسلمانان در جمع، حفظ و کتابت قرآن است. علاوه بر اینکه اخبار واحد در زمینه نسخ تلاوت، تاب مقابله با نص متواتر قرآن را ندارد.

کلید واژه ها : سلفیه، شنقیطی، اضواءالبیان، تحریف‌ناپذیری، نسخ، نسخ التلاوه، نسخ حکم.

۱- تبیین مسئله:

پدیده نسخ، از مباحث مهم، در حوزه قرآن پژوهی است که در عرصه فقه، حدیث و تفسیر مورد توجه صاحب نظران علوم قرآنی بوده و انواعی را برای نسخ ذکر کرده‌اند. با اینکه در مورد اصل وجود نسخ در قرآن در بین صاحب نظران تقریباً اتفاق نظر وجود دارد، اما در مورد وجود نسخ تلاوت و نسخ تلاوت و حکم با هم، اختلاف نظر جدی بین مفسران و قرآن پژوهان فریقین مطرح است. اهمیت و ضرورت این موضوع و قبول یا رد آن، با اصل تحریف‌ناپذیری قرآن، ارتباط وثیق دارد و قول به وجود برخی از انواع نسخ در قرآن، زمینه‌ی ایراد شبهات

^۱ . مستخرج از رساله با عنوان «آسیب شناسی مبانی تفاسیر سلفیان در آیات توحیدی با محوریت تفسیر اضواءالبیان فی ایضاح القرآن بالقرآن»

در مسأله تحریف قرآن است. از نظر اندیشمندان امامیه نیز، باور به نسخ تلاوت و نسخ حکم و تلاوت باهم، مستلزم پذیرش وقوع تحریف لفظی در قرآن است و تحقق تحریف لفظی در قرآن، اعتبار و حجیت قرآن را خدشه‌دار می‌سازد در حالی که قرآن کریم، سند قطعی حقانیت اسلام و معجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) است. پرداختن به همه مباحث پیرامون نسخ در قرآن، رسالت و هدف این پژوهش نیست، بلکه سعی بر این است که دیدگاه شنقیطی؛ به عنوان یکی از مفسران سلفی معاصر در رابطه با وجود نسخ تلاوت و نسخ تلاوت و حکم با هم در تفسیر اضواء البیان، با روش نقلی و تحلیلی پرداخته شود.

بر اساس جستجوی نگارنده، تاکنون مقاله و یا کتابی در نقد دیدگاه شنقیطی در مسأله نسخ، یافت نشد.

محمد الامین بن محمدالمختار بن عبدالقادر بن محمد بن نوح بن محمد بن احمد المختار الجکنی، معروف به محمد شنقیطی، متوفای ۱۳۹۳ هجری قمری، متولد کشور موریتانی در شمال غربی آفریقا، ساکن عربستان سعودی، فقیه و مترجم، از معلمان مکه و مدینه و از محققان و مروجان تفکر ابن تیمیه به شمار می‌رود. شنقیطی دارای آثار و کتب متعددی است که تفسیر «اضواء البیان فی ایضاح القرآن و منع جواز المجاز و دفع ایهام الاضطراب عن آیات الكتاب»، از آثار مهم او است.

اضواء البیان، از جمله تفاسیر معاصر با رویکرد سلفی است. روش تفسیری او تفسیر قرآن به قرآن بوده، لکن از روایات و مباحث فقهی هم استفاده کرده است. گزینشی بودن، عدم بهره‌مندی از براهین عقلی، مباحث عرفانی و تفسیر ظاهری آیات قرآن و استفاده از روایات مجعول و ضعیف، همانند دیگر تفاسیر سلفی، از ویژگی‌های این تفسیر است. مؤلف در این اثر از کتب تفسیری نظیر؛ تفسیر طبری، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز و تفسیر ابن کثیر استفاده کرده است.

وی در این تفسیر در موارد گوناگونی به ابن تیمیه به عنوان استاد اعظم خود استناد و نظرات او را تکرار و ارج می‌نهد، گرچه مرگ مهلت نداد تا شنقیطی (۱۳۹۳م) این تفسیر را به اتمام برساند، لکن محمد بن عطیه (شاگرد او) پس از مرگ مؤلف، از سوره حشر تا خاتمه قرآن را به اتمام رسانید.

۲- مفهوم شناسی:

نسخ: به معنای «ازاله» و از بین بردن، جایگزین کردن چیزی به جای چیز دیگر، باطل کردن، نقل از مکانی به مکان دیگر و نسخه برداری از روی چیزی است. (فراهیدی: ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۸۴ و مصطفوی: ۱۳۶۰ش، ج ۱۲، ص ۹۶)

نسخ در اصطلاح قرآن پژوهان این است که؛ ابتدا آیاتی از قرآن نازل شده، سپس حکم آن بنا بر مصالحی برداشته شده که آیات متقدم را منسوخ نامیده و آیات متاخر ناسخ گویند. (زرکشی: ۱۳۷۶، صص ۱۱۰-۱۱۱) و (خویی: ۱۳۸۴، ص ۳۵۵) و (سیوطی: ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۴۱) نسخ عبارت است از برداشتن حکمی که علی الظاهر دایمی بوده، به وسیله یک حکم جدید، به گونه‌ای که هم زمان بودن هر دو حکم ممکن نباشد، خواه این عدم امکان به خاطر این باشد که این دو حکم در ذات با هم منافات دارند و یا اینکه دلیل دیگری همچون اجماع و یا تصریح شریعت باشد. (معرفت: ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۷۱)

بر این اساس، نسخ عبارت است از «برداشته شدن حکم شرعی توسط شارع با آمدن دلیل شرعی متاخر از حکم اول، یا پایان یافتن زمان عمل به حکم شرعی اول و جانشین ساختن حکمی دیگر به جای آن».

از نظر قرآن پژوهان، چند نوع نسخ قابل تصور است؛ نسخ در تلاوت و حکم، نسخ حکم و بقای تلاوت و نسخ تلاوت. البته وجود همه این انواع نسخ در قرآن، مورد اتفاق همه اندیشمندان اسلامی نیست.

نسخ تلاوت و حکم، به معنای برداشتن حکم آیه از عرصه تشریع و محو متنی از قرآن است که دلالت بر آن حکم می‌کرد.

نسخ تلاوت و بقای حکم، به معنای حذف متن آیه‌ای از قرآن کریم و بقای حکم فقهی و لزوم عمل به آن است. نسخ حکم بدون تلاوت: یعنی برخی از آیات موجود در قرآن، مشتمل بر حکم شرعی است و تلاوت می‌شود، لکن حکم آن بواسطه آیات دیگر و یا سنت پیامبر (ص) نسخ شده است. (زرکشی: ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۲ و زرقانی: ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۲۵)

پرداختن به همه مباحث نسخ در قرآن، رسالت و هدف این پژوهش نیست. از این روی، تنها به مساله نسخ تلاوت و نسخ تلاوت و حکم باهم، پرداخته می‌شود که ارتباط مستقیم با دیدگاه شنقیطی و تحریف قرآن دارد.

تحریف ناپذیری:

تحریف از ماده «حرف» به معنای، تغییر، تبدیل، زوال، اماله و عدول از چیزی است. (ابن منظور: ۱۴۱۴ ق، ذیل ماده (حرف) و (سید مرتضی حسینی: ۱۴۱۴ ق و راغب اصفهانی: ۱۴۱۲ ق، ذیل ماده «حرف»)

تحریف کلام در اصطلاح قرآن پژوهان، به معنای تغییر دادن کلام به تقدیم و تأخر الفاظ یا به تغییر جایگاه الفاظ به اضافه کردن و کم کردن آن است. (طباطبایی: ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۳۷۲)

با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی تحریف می‌توان به این نتیجه رسید که؛ مراد از تحریف، جابجا شدن حرفی از حروف کلمه، اضافه کردن یا کم کردن لفظی از الفاظ و یا تغییر دادن معنایی از معانی کلمه، که به تغییر معنای کلام منجر شود.

تحریف اصطلاحی تا هفت، گونه قابل دسته‌بندی شده است از جمله؛ تحریف معنوی، تحریف موضعی، تحریف در لغت، تحریف در لهجه و نحوه گویش، تحریف با تعویض کلمات، تحریف به زیاده، تحریف به نقیصه. (معرفت: ۱۳۷۶، ص ۲۲-۲۵)

تحریف ممکن است به هر دو صورت لفظی و معنوی اتفاق بیافتد.

تحریف معنوی: یعنی تفسیر به رأی، به وجهی نامعقول و تأویل ناپسندیده معانی قرآن بر وفق آراء و نظرات مختلف و برداشت انحرافی و تفسیر و توجیه سخن برخلاف مقصود گوینده که در تاریخ تفسیر قرآن از سوی غالب مکاتب کلامی یا فقهی رخ داده است. (معرفت، همان)

تحریف معنوی گرچه به شدت مورد نهی و مذمت قرار گرفته شده است، اما از نظر صاحب نظران به رغم مذموم بودن و آثار زیان بار آن، نمی‌تواند به حجیت قرآن صدمه‌ای وارد کند؛ زیرا امری بیرون از هویت قرآن است. (جوادی آملی: ۱۳۸۹، ص ۱۸-۲۱)

تحریف لفظی، بر دو نوع تقسیم می‌شود:

تحریف به کاهش؛ که به آن تحریف به نقیصه یا تنقیص می‌گویند و تحریف به افزایش.

در این پژوهش مقصود از تحریف، تحریف لفظی است؛ زیرا تحقق تحریف لفظی در قرآن، محذورات و پیامدهای ناگواری را به دنبال دارد و اعتبار و حجیت قرآن را که سند قطعی حقانیت اسلام و معجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) است زیر سوال برده و از اعتبار ساقط می‌کند.

۳- تبیین دیدگاه شتیطی:

یکی از مبانی مشترک مفسران فریقین در تفسیر قرآن، تحریف ناپذیری آن است. برای اثبات تحریف ناپذیری قرآن ادله محکمی از آیات و روایات و شواهد تاریخی، و در مواردی نیز به دلیل اجماع و عقل، برای تحریف ناپذیری قرآن، از جمله؛ اعجاز و حکمت الهی و احادیث، عرضه روایات بر کتاب الله، ثقلین و ارائه شده است. (نجار زادگان: ۱۳۹۱، ص ۱۲۷)

برخی از آیاتی که مفسران فریقین برای عدم تحریف قرآن بدان استناد جسته‌اند عبارتند از:

سوره حجر/ آیه ۹ (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)؛ همانا ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم آن را محققاً محفوظ خواهیم داشت.

این آیه شریفه به صراحت دلالت دارد بر اینکه قرآن از تحریف مصون است و تا ابد مصون خواهد بود و خداوند خود حافظ و نگهبان آن است. اکثریت قریب به اتفاق، مفسران اسلامی، از این آیه برای اثبات تحریف ناپذیری قرآن بهره برده‌اند. (طباطبایی: ۱۳۹۰، ج ۱۲ ص ۱۰۱) و (طبری: ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص: ۷) و (طبرسی: ۱۳۷۲، ج ۶، ص: ۵۰) (و فخر رازی: ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۱۲۴) و

علامه طباطبایی، ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: «این آیه دلالت دارد بر حفظ قرآن از جمع اقسام تحریف به دلیل اینکه قرآن همان ذکر حی و خالد خداوند است.» (طباطبایی، همان)

سوره فصلت / آیه ۴۲ (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۖ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ)؛ هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است) زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم، ستوده صفات است.

این آیه شریفه؛ قرآن کریم را از انواع و اقسام باطل منزّه و پاک معرفی می‌کند، زیرا اگر نفی، متوجه طبیعت چیزی شد تمام افراد و مصادیق آن را نفی خواهد کرد و این آیه نیز طبیعت بطلان را از قرآن نفی کرده است و قرآن را از تمام جهات منزّه و صحیح شمرده است. بنابراین هیچ گونه بطلانی، که تحریف یکی از مصادیق آن است، نمی‌تواند به ساحت قرآن راه یابد.

مفسران فریقین نیز، ذیل این آیه شریفه، به تحریف ناپذیری قرآن پرداخته‌اند. (فخر رازی: ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۵۶ و طبری: ۱۴۱۲، ج ۲۴، ۸۰ و طبرسی: ۱۳۷۲، ج ۹، ۲۳)

مانند اوامر امتحانی و چه بسا حکم برای اجرا بیان شده است، اما از آغاز و در نفس الامر مدت اجرای آن به دلیل نوع مصلحت در آن، محدودیت داشته است، ولی علم آن تنها از آن خداوند بوده است که با پایان یافتن آن مدت، نوبت اجرای حکم جدید فرا می‌رسد. (خویی، همان، ص ۲۷۸)

علامه طباطبایی (م ۱۴۰۲) نیز، گرچه تصریح به وجود ناسخ و منسوخ در قرآن کرده، اما ذیل آیه ۱۰۶ بقره؛ منظور از نسخ آیه را برداشته شدن اثر آیه از جهت آیه بودن می‌داند، مثلاً تکلیفی که در آن آمده برداشته می‌شود. از این رو ممکن است آیه‌ای از جهتی نسخ شود؛ اما از جهت دیگر مورد نسخ قرار نگیرد. مثلاً حکم آن منسوخ شود، ولی بلاغت و اعجازش همچنان باقی بماند. (طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۳۴۵)

آیت الله معرف، نیز در باب انواع نسخ، نظریه جدیدی را تحت عنوان؛ نسخ مشروط و نسخ تمهیدی و تدریجی را ارائه کرده‌اند. مقصود از نسخ مشروط از نظر ایشان آن است که حکم سابق با تغییر شرایط نسخ و با اعاده شرایط گذشته، حکم منسوخ قابل برگشت باشد و نسخ تمهیدی بدین معناست که قرآن با برخی از عادات جاهلی همراهی اولیه و سپس بصورت تدریجی آن را تصریح کرده است. (معرفت: ۱۴۲۰، ص ۱۰۱ و ۷۱)

زرکشی (م ۷۹۴) هم، مراد از نسخ در آیه شریفه: (مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا . بقره: ۱۰۶) را قرآن نسخ کتاب‌ها و شرایع پیشین دانسته و قائل است، بعد از قرآن، نسخی نخواهد بود و ناسخ و منسوخ که در قرآن موجود است بسیار کم است و خود قرآن، موارد ناسخ و منسوخ را بیان کرده است مانند نسخ حکم صدقه برای نجوای با پیامبر (ص) و فرار از جهاد و ... غالب آنچه را برخی نسخ نامگذاری کرده‌اند، از قبیل بیان حکم مجمل بواسطه سنت است. (زرکشی: ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۴۳)

علاوه بر اینکه، بر اساس قول به نسخ دو سوره الخلع و الحفد، یک اشکال فقهی نیز مطرح خواهد شد. اگر نزول جبرئیل بر پیامبر و القای آن به عنوان قنوت نماز صحیح باشد، بر مبنای این دیدگاه شتیطی و همفکران او، تشریع قنوت از جانب خداوند به عنوان یکی از اجزای واجب، خواهد بود. اگر تلاوت و حکم آن پس از پیامبر (ص) نسخ شده باشد مستلزم حذف برخی از اجزای نماز و ورود بدعت در نماز بوده و صحت کیفیت نماز مسلمانان زیر سوال خواهد رفت، در حالی که قنوت در نمازهای یومیه از نظر فقهای فریقین، جزء مستحبات است.

جمع بندی و نتیجه:

علی رغم اینکه تحریف ناپذیری قرآن، یکی از مبانی مورد اتفاق مفسران فریقین است، اما دیدگاههای برخی از مفسران در مورد وجود برخی از انواع نسخ در قرآن، مستلزم پذیرش وقوع تحریف لفظی از نوع تحریف به نقیصه در قرآن است؛ زیرا تحریف لفظی؛ شامل هر گونه نقص و زیادت و تبدیل و تغییر در الفاظ قرآن می گردد. شنقیطی یکی از مفسران بنام سلفیه در تفسیر اضواء البیان، در باب نسخ، نسخ به تلاوت و حکم و نسخ تلاوت را از انواع نسخ معرفی کرده و معتقد به وقوع آن در قرآن است. باور به نسخ تلاوت، از سوی شنقیطی وی را با چالش هایی روبرو ساخته و نقدهای مبنایی و محتوایی بر این اندیشه او حاکم است. پذیرش وقوع نسخ به تلاوت و نسخ تلاوت و حکم با هم، در واقع پذیرش حذف بخشی از آیات قرآن یا همان قول به تحریف است که با مبنای مورد قبول شنقیطی، در مورد تحریف ناپذیری قرآن در تناقض است و تمام اشکالات و محذورات عقلی و نقلی و تاریخی که بر تحریف وارد است، از جمله از بین رفتن اعتبار و وثاقت قرآن، بر این نوع از نسخ نیز وارد است. شنقیطی در قول به نسخ تلاوت به روایات ضعیف و مجعول و اخبار واحد استناد کرده است، در صورتی که هیچ دلیل قاطع و متواتری در باب وقوع نسخ به تلاوت وجود ندارد، بلکه ادله صریح و متواتر در برابر این نظریه موجود است؛ از جمله آیات دال بر حفظ قرآن از هر گونه نقص و زیادت و بطلان و شواهد تاریخی و روایات موثق. وی در مورد نسخ تلاوت به چند خبر واحد اتکا کرده که تاب مقاومت و رویارویی با این ادله قطعی و متن قرآن را ندارد که به شیوه تواتر به دست مسلمانان رسیده است. علاوه بر اینکه شنقیطی، به علت سوء برداشت، تبیین و توضیح پیامبر(ص) در مورد آیات و توضیحاتی که پیرامون آیات در برخی از مصاحف نگاشته شده بوده و بعداً حذف شده را آیات منسوخ التلاوه پنداشته است.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، احمد ابن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چ سوم، ۱۴۱۴ ق
۳. انواری، جعفر، اثبات تحریف ناپذیری قرآن با بررسی و نقد ادله نسخ تلاوت، نشریه حسنی، ش ۲۴، ۱۳۹۴
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المختصر، بیروت، دارالنشر، ۱۴۰۷

۵. جوادى آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، قم، اسراء ۱۳۸۹
۶. -----، سرچشمه اندیشه، قم، اسراء، ۱۳۸۶
۷. حسینی، سید مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق
۸. خویی، سید ابوالقاسم، البیان، مترجم سیدجعفر حسینی، دارالثقلین، چ اول، ۱۳۸۴
۹. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالشامیه، بیروت، چ اول، ۱۴۱۲
۱۰. زرکشی، بدرالدین البرهان فی علوم القرآن، دارالاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶
۱۱. الزرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مطبعه عیسی البابى الحلبي، چ ۳، ۱۴۳۱
۱۲. زید، مصطفی، النسخ فی القرآن الکریم)، بیروت- دارالفکر، (۱۹۷۱م
۱۳. سیوطی، جلال الدین، الدرالمثور، دارالفکر-بیروت، ۱۴۳۱
۱۴. -----، الاتقان فی علوم القرآن، الهيئت المصریه العامه للکتب چاپ ۱۳۹۴،
۱۵. شنقیطی، محمد الامین الشنقیطی، متوفی ۱۳۹۳، دارالفکر-بیروت، ۱۴۱۵
۱۶. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۲، ق
۱۷. طبری، محمد جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان-بیروت، ۱۴۱۲
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، ۱۳۷۲
۱۹. علیانسب، سیدضیاءالدین، صحابه در قرآن، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۳
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، احیاء التراث العربی، لبنان-بیروت، ۱۴۲۰
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العینقم، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق
۲۲. - معرفت، محمد هادی، قرآن از تحریف، مترجم محمد شهرابی، قم، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۳۷۶
۲۳. -----التمهید، حوزه علمیه قم-مرکز حدیث، ۱۴۱۰
۲۴. -----، تحریف ناپذیری قرآن، تهران، مشعر ف چ اول، ۱۳۸۴
۲۵. نجار زادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن، از دیدگاه فریقین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱،
۲۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰

A critical analysis of Shenqaiti's point of view on the issue of abrogation and the incorruptibility of the Quran

The incorruptibility of the Qur'an is one of the common beliefs of the commentators of different Islamic sects and one of the common bases of interpretation of the Qur'an. However, the analysis and opinions of some commentators in the phenomenon of abrogation have become the basis for the doubts of some orientalists about the incorruptibility of the Quran. Believing in the rejection of recitation or recitation and ruling together has a direct relationship with verbal distortion and causes damage to the authenticity and validity of the Qur'an. Shenqiti (1393) in the commentary of "Azwa-al-Bayan" despite believing in the immunity of the Quran from distortion, citing weak hadiths and reports of Ahad, believes that there is abrogation of recitation as well as abrogation of recitation and ruling. The present article, with the aim of analyzing the view of Shenqaiti, came to the conclusion that the belief in the abrogation of recitation, the belief in the abrogation of the Qur'an is a part of the Qur'an and it is one of the clear examples of distortion. And with intellectual, narrative and historical caveats, including the conflict with

his accepted basis in the infallibility of the Quran and the verses indicating its incorruptibility, and it is incompatible with the way of Muslims in general, memorizing and writing the Quran. In addition to the fact that the news of Vahad in the field of reciting is not valid, it does not have the strength to deal with the text of the Qur'an.

Key words: Shanqeiti, Adwa al-Bayan, Salafiyyah, incorruptibility, cancellation, cancellation of talawah, cancellation of ruling.